

Designing a Model for Changing Student Admission Policy with Learning Approach

Marziyeh Astaraki*
Mehraban Hadipeykani**
Akbar Etebarian***

Introduction

A review of changes in student admission policy over the last four decades has shown that these policies still need to be changed, because in many of the applied changes there is a lack of attention to learning approach. Learning enables successful policy changes to be made that reflect changes in external environmental conditions and requirements, as well as the evaluation of previous policies.

Method

The methodology of the present study is applied in terms of results and mixed in terms of implementation method; which has been performed in two parts, quantitative and qualitative. According to the nature and objectives of the research, inductive content analysis has been conducted. Accordingly in the qualitative section, research data is qualitative and its approach is inductive content analysis. The statistical population of the study included experts and specialists familiar with the process of changing student admission policy with a learning approach. Through purposive sampling, 12 of them were interviewed. Similarly, in order to confirm the presented model in the quantitative section, the data collection tool in this section is a researcher-made question. For data analysis in a quantitative part, the Smartpls software was used, which finally confirmed the proposed model.

* Ph.D. Student, Department of Public Management, Isfahan(Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

** Assistant Professor, Department of Public Management, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran. *Corresponding Author:* m.peykani@khuisf.ac.ir

*** Associate Professor, Department of Public Management, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Results

In this study, the researcher respect to the exogenous dimension requires attention to the wishes and needs of the community, the role of advocacy groups, interest groups and the media, population developments and ideological issues, political and economic conditions governing society and the status of volunteers. In the endogenous dimension, it requires the consideration of policies and politics proposed by the government, political attitudes and opinions by avoiding politicization, opinions and views of experts and thinkers, goals and programs of related and synchronized organizations and decisions of decision-making councils.

Discussion

It is important to enter the higher education course and benefit from the training of this course in all countries of the world, therefore, it is necessary for all higher education institutions in Iran to pay attention to this important issue and to pay attention to their duty to accept and educate students according to the needs of the country. Attention to the effective factors in changing the admission policy of students is caused by the general conditions and policies for student admission to be adjusted so that the most suitable people are selected. In this context, it is important to pay attention to the learning approach in the policymaking process. The study shows that the policy of student admission has changed significantly over the years, basically, these changes are apparent and there is always a lack of attention to the learning approach. Student admission policy is important because of the learning approach because it has potentially more desirable outcomes for the higher education system so that policymakers can have a more appropriate policy for student admissions policy.

Keywords: Student Admission, policy, policy change, learn the policy.

Author Contributions: Author 1 was responsible for leading the overall research process. Author 2 was responsible for research plan design, data collection and analysis and all authors discussed the results, reviewed and approved the final version of the manuscript.

Conflict of interest: The authors acknowledge that there is no conflict of interest in this article.

Acknowledgments: The authors thank all dear Experts and Specialists who have helped us in this research. Conflicts of interest: The authors declare there is no conflict of interest in this article.

Funding: This research is not sponsored by any institution and all costs have been borne by the authors

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۹/۱۲/۱۸
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۴۰۰/۰۵/۲۷

مجله‌ی علوم تربیتی دانشگاه شهید چمران اهواز
پاییز و زمستان ۱۴۰۰، دوره‌ی ششم، سال ۲۸
شماره‌ی ۲، صص: ۶۲۲-۲۰۹

مقاله پژوهشی

طراحی مدل تغییر خط‌مشی پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری

مرضیه آسترکی*

مهربان هادی پیکانی**

اکبر اعتباریان***

چکیده

هدف پژوهش حاضر طراحی مدل تغییر خط‌مشی پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری است که به روش ترکیبی (آمیخته) انجام رسیده است. دربخش کیفی از روش تحلیل محتوا با رویکرد استقرایی استفاده شده است که بر اساس آن از طریق مصاحبه با صاحب نظران و خبرگان علمی و اجرایی، شاخص‌های تغییر خط‌مشی پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری شناسایی؛ سپس آن‌ها را در طبقات مشخصی دسته‌بندی و از دسته‌بندی طبقات، مؤلفه‌ها و ابعاد تحقیق مشخص گردید. جامعه آماری دربخش کیفی عبارتند از: اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، کارشناسان موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، معاون و کارشناسان آموزش و برنامه‌ریزی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، اعضای کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی دوره نهم و دهم، لذا به منظور جمع‌آوری اطلاعات از روش نمونه‌گیری هدفمند با تکنیک گلوله برفی استفاده شده است. جامعه آماری در بخش کمی تعداد ۵۶۹ نفر از اعضای هیات علمی مراکز دانشگاهی استان لرستان بوده‌اند که بر اساس جدول کرجسی مورگان ۲۲۹ نفر به عنوان نمونه و با توجه به روش نمونه‌گیری خوشه‌ای انتخاب شدند. برای جمع‌آوری داده‌های کیفی از روش مصاحبه نیمه ساختاریافته و برای داده‌های کمی از پرسشنامه محقق ساخته استفاده شد. تجزیه و تحلیل مصاحبه‌ها براساس روش تحلیل محتوای استقرایی و در بخش کمی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم افزارهای spss22 و smart pls استفاده شده است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که ابعاد یادگیری (درون‌زا و برون‌زا) بر تغییر خط‌مشی پذیرش دانشجو تأثیر داشته و باید مورد توجه قرار گیرد.

واژه‌های کلیدی: پذیرش دانشجو، خط‌مشی، تغییر خط‌مشی، یادگیری خط‌مشی

* دانشجوی دکتری رشته مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

** استادیار رشته مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران (نویسنده مسئول)

m.peykani@khu.ac.ir

*** دانشیار رشته مدیریت دولتی، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد اصفهان (خوراسگان)، اصفهان، ایران

مقدمه

تدوین خط‌مشی‌های عمومی یکی از مهم‌ترین ابزارهای مدیریت دولتی می‌باشد که چهارچوبی را برای سایر تصمیم‌گیری‌ها فراهم می‌کند. خط‌مشی باید صریح، واضح، جامع، دارای قابلیت اجرا و انعطاف‌پذیر باشد. همچنین انتخاب ابزار مناسب برای اجرا از مهم‌ترین گام‌های موفقیت سیاست‌ها و خط‌مشی‌های عمومی محسوب می‌شود. از دیگر موضوعات مهم، مشارکت عمومی مردم در فرآیند سیاست‌گذاری است که شامل نظرخواهی از بخش‌های مختلف جامعه برای اثرگذاری بر فرآیند تدوین خط‌مشی‌ها می‌باشد. (Erfani & Ghasemi, 2016). بر این اساس است که جنکینز^۱ خط‌مشی را این‌گونه تعریف می‌کند: خطی‌مشی؛ مجموعه‌ای از تصمیمات مربوط به هم است که، انتخاب اهداف و ابزارهای نیل به آن‌ها را، در یک موقعیت خاص مورد تأکید قرار می‌دهد (Blanco, Lowndes & pratchett, 2011) یا به اعتقاد مک کوئیل^۲؛ خط‌مشی برحسب درجه‌ای از تحقق اهدافی که حامیان از ابتدا تعیین کرده‌اند، موفقیت‌آمیز تلقی می‌شود و چه بسا در این فرآیند تغییراتی نیز به وجود آید (Rutter, Marshall & Sims, 2012).

تغییر خط‌مشی می‌تواند متأثر از محرک‌های تحول در محیط داخلی و خارجی و همچنین مشاهده اعتقادات و نگرش‌های افراد درون سازمان باشد. تغییر در خط‌مشی ممکن است بر رفتار، اعتقادات مشترک، روش کار و قوانینی که مدل‌های ذهنی را شکل می‌دهند، تأثیر بگذارد (Hayes, 2008). بر این اساس تغییر خط‌مشی نوعی یادگیری آگاهانه است که در آن اشکالات و نقایص شناخته می‌شوند و از طریق تغییر در خط‌مشی‌ها کمبودها برطرف می‌شود (Danesh Fard, 2017). بنابراین واضح است که هرگونه جرح و تعدیل در سیاست‌ها و تصمیمات می‌بایست بر پشتوانه علمی و نظری و متناسب با زمینه مورد نظر سیاست‌گذار باشد (Amiri farahabadi, Abolghasemi & Qahrmani, 2019). امروزه تغییرات سریع و افزایش پیچیدگی‌ها چالش‌های جدیدی را رقم زده و تقاضاهای جدیدی را برای سیستم‌های آموزشی به وجود آورده است. برای مقابله با این چالش‌ها، توجه به پیچیدگی خود سیستم آموزش عالی و بسیاری از مشکلاتی که باید مرتفع شوند، ضروری است (Bar-yam, Rhoades, Sweeney, Kaput & Bar-yam, 2012)، لذا تأکید صرف بر نیازهای اقتصادی و شغلی جامعه و عدم مشارکت افراد علاقه‌مند به ویژه دانشجویان، در شناسایی نیازها مورد انتقاد قرار گرفته است (Coffild, 2008; Longworth,

1- Jenkis

2- McQuail

(2004). توسعه فشرده اقتصاد جهانی بسیاری از جنبه‌ها و مشکلات را برای جامعه بشری آشکار کرده است، در بین چنین مشکلاتی، مسئله رابطه بین فرآیند آموزش، فعالیت‌های عملی فارغ-التحصیلان دانشگاهی و مهارت‌های ویژه‌ای که به فارغ‌التحصیلان اجازه می‌دهد تا کارهای تحقیقاتی انجام دهند و خلاقیت خود را درک کنند از مهم‌ترین این مسائل است (Shanaida, Vitenko, Drozdziel & Madlenak, 2019). در سال‌های اخیر، سیستم‌های آموزشی در سراسر جهان به دلیل شرایط اجتماعی-اقتصادی موجود و نیز افزایش ابتکارات برنامه دولت، به تغییر انتظارات جامعه پاسخ داده‌اند و ابتکارات عمده تغییر برای حمایت از رشد تحصیلی و اجتماعی دانشجویان در مؤسسات آموزشی مختلف آغاز شده است (Louis & Miles, 1990). بر این اساس نحوه‌گزینش و پذیرش دانشجویان در نظام‌های آموزش عالی کشورهای مختلف، به شیوه‌های متفاوتی است (Farrokhi, 2016).

به طور مثال در برخی از کشورهای سوسیالیستی و صنعتی مانند ژاپن و کره جنوبی، احتیاجات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی ملاک اصلی پذیرش دانشجو در نظام آموزش عالی می‌باشد. این دیدگاه موجب گردیده تا امتحانات ورودی تنها ملاک‌گزینش دانشجو در این کشورها باشد. در مقابل این دیدگاه، گروهی از کشورها مانند انگلیس، آمریکا، فرانسه، سوئد و آلمان اظهار می‌دارند که آموزش عالی می‌بایست علاوه بر اینکه، افرادی را تربیت نماید که پاسخگوی نیازهای اقتصادی و اجتماعی جامعه باشند باید مزایایی را فراهم نماید تا تعداد بیشتری از جوانان و بزرگسالان بتوانند آموزش سطوح بالا را دریافت نمایند. بر این اساس پذیرش دانشجو از راه امتحانات سخت ورودی را رد می‌کند (Zarei & Orangi, 2012) این تغییرات در جهان امروزه دلیل نوآوری‌های تکنولوژی و افزایش ارتباط بین ملت‌ها و فرهنگ‌ها، به سرعت در حال حرکت است (Gorcia-Huidobro, Nannemann, Banco & Thompson, 2017). به‌طوری که مؤسسات آموزش عالی نه تنها از نظر نوع، مالکیت و پیشنهادات آموزشی متنوع‌تر شده‌اند، بلکه مأموریت‌های خود را نیز متنوع کرده‌اند و گروه‌های خاصی از دانشجویان (زنان، اقلیت‌ها و غیره) نیز در جامعه هدف آنان قرار گرفته و تأمین نیازهای خاص محلی یا منطقه‌ای، تخصص در برخی مناطق خاص، یا ایجاد ارتباط نزدیک با صنایع و شرکت‌های خاص را در دستور کار خود قرار داده‌اند (Altabach, Reisberg & Rumbley, 2009).

در ایران نیز شیوه پذیرش دانشجویان در دانشگاهها و مراکز آموزش عالی دولتی و غیردولتی از مهم‌ترین رخدادهای آموزشی محسوب می‌شود (Ghoraishi Khorasgani, Yamani Douzi, Sorkhabi, Zakersalehi & Mehran, 2019)، اما به دلیل، عدم ثبات مدیریتی و عملکرد سلیقه‌ای به جای عملکرد برنامه‌ای، به ویژه اجرا نشدن قوانین، آیین‌نامه‌ها و بخشنامه‌ها مشکلات بسیاری برای این امر به وجود آمده است (Haj Khozeymh, Abili & Pour Karime, 2020) و نظام آموزش عالی با چالش‌هایی متعددی در حوزه ملی و فراملی و همچنین محدودیت‌های منابع مواجه شده است. محیط در حال تغییر، آموزش دانشجویان، تأمین مالی آموزش عالی، اداره امور دانشگاه‌ها و رسالت آن‌ها از جمله مهم‌ترین چالش‌های دانشگاهی است (Besharat Ghotb Abadi, Shah Talebi Hossein Abadi & Saeidian Khorasgani, 2019). بنابراین دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزش عالی ایران نیز می‌بایست مانند سایر مراکز آموزش عالی دنیا، رسالت و وظیفه خود را در راستای پذیرش و تربیت اصولی دانشجویان بر اساس نیازهای کشور مورد توجه قرار دهند (Ghoorchiyan Sahebolzamani, 2006). در رابطه با ضرورت تغییر خط‌مشی پذیرش دانشجو بر اساس رویکرد یادگیری مطالعات چندانی در داخل و خارج از کشور صورت نگرفته است و آنچه حاصل از بررسی‌های پژوهشگران در انواع اطلاعاتی معتبر است نشانگر انجام مطالعاتی پیرامون روند اجرای خط‌مشی پذیرش دانشجو می‌باشد که در ادامه به نتایج برخی از این پژوهش‌ها اشاره می‌شود: (Ghanbari, Abbasi & Amiri, 2020) در پژوهشی به ارزشیابی خط‌مشی نحوه پذیرش دانشجو در ایران از منظر عدالت پرداختند نتایج به دست آمده حاکی از این است که از دیدگاه دانشجویان، عدالت کمتر از حد متوسط در قوانین نحوه پذیرش دانشجو محقق می‌شود. (Malekinia, malekinia & Feizi, 2019) در پژوهش خود به بررسی راهبردهای مورد نیاز نظام آموزش عالی ایران در عصر جهانی شدن پرداختند. نتایج پژوهش حاکی از این است که نظام آموزش عالی کشور برای واکنش مناسب به تحولات جهانی شدن نیازمند در پیش گرفتن استراتژی‌های چهارگانه توسعه کیفی به موازات گسترش کمی، متنوع‌سازی منابع تأمین مالی، تجاری‌سازی تحقیقات و تکمیل زنجیره علم، فناوری و ثروت، افزایش مبادلات علمی و دانشگاهی در سطح بین‌المللی است. (Zabetpourkordi, Aminbeidokhti, Rezaei & Salehiomran, 2019) در پژوهشی به مطالعه عوامل مؤثر و زمینه‌ساز اجرای خط‌مشی آموزش عالی در ایران پرداختند. یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد عوامل بسترساز اجرای خط‌مشی‌های آموزش عالی کشور شامل ۶ مفهوم اصلی در قالب ۶۵ مقوله فرعی است که این مفاهیم اصلی به ترتیب بر اساس تحلیل

سلسله‌مراتبی دسته‌بندی شده و عبارتند از: عوامل قانونی، سیاسی، اقتصادی، تکنولوژیکی، فرهنگی و اجتماعی؛ بنابراین پیشنهاد می‌گردد جهت اجرای خطمشی‌های آموزش عالی به این عوامل توجه شود چرا که می‌تواند منجر به اجرای بهتر خطمشی‌ها گردد. (Baglibel, Samancioglu & Crow, 2018) در پژوهشی عوامل مؤثر بر تغییرات آموزشی در کشور ترکیه را مورد مطالعه قرار دادند. نتایج این مطالعه نشان داد که پایداری تغییرات آموزشی که در سیستم آموزشی ترکیه رخ داده است به طور کلی ضعیف است. (Hajazi, 2007) در پژوهش خود با هدف ارائه الگوی مناسب برای پذیرش دانشجو در نظام آموزش عالی ایران به این نتیجه دست یافت که روش برگزاری آزمون، پیشینه تحصیلی، استفاده از سهمیه، تنوع در شیوه گزینش، استقلال عمل دانشگاه‌ها در پذیرش دانشجو، عدم وجود شرایط سنی ورود به دانشگاه‌ها، رقابت شدید برای پذیرش در دانشگاه‌های معتبر، توجه ویژه به دوره دبیرستان و پیروی از نظریه اصلاح بر فرآیند پذیرش دانشجو در نظام آموزش عالی ایران مؤثرند. فقدان توجه به رویکرد یادگیری در تغییر خطمشی پذیرش دانشجو سبب شد تا در این پژوهش با هدف بررسی مؤلفه‌ها و ابعاد تغییر با توجه به رویکرد یادگیری مطالعاتی انجام شده و با ارائه مدلی چگونگی روند تغییر در این حوزه را بیان نموده و به این پرسش پاسخ دهیم که یادگیری در فرایند خطمشی‌گذاری چگونه می‌تواند منجر به تغییر خط-مشی پذیرش دانشجو گردد؟ با توجه به مطالب فوق‌الذکر هدف اصلی این پژوهش را می‌توان، طراحی مدلی برای تغییر خطمشی‌های پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری بیان نمود و اهداف فرعی آن عبارتند از:

۱. شناسایی ابعاد تغییر خطمشی پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری
 ۲. شناسایی مؤلفه‌های تغییر خطمشی پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری
 ۳. شناسایی شاخص‌های تغییر خطمشی پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری
 ۴. اعتبار سنجی مدل تغییر خطمشی پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری
- پرسش اصلی این پژوهش را نیز می‌توان این‌گونه مطرح نمود که: مدل مناسب برای تغییر خطمشی‌های پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری کدام است؟ و پرسش‌های فرعی عبارتند از:
۱. ابعاد تغییر خطمشی پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری کدام است؟
 ۲. مؤلفه‌های تغییر خطمشی پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری کدام است؟
 ۳. شاخص‌های تغییر خطمشی پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری کدام است؟
 ۴. اعتبار مدل تغییر خطمشی پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری به چه میزان است؟

روش پژوهش

در این پژوهش که بر اساس روش آمیخته اکتشافی انجام شده است، تحقیق در دو بخش کیفی و کمی صورت گرفته است. در بخش کیفی از روش تحلیل محتوا بارویکرد استقرایی استفاده شده است. در این روش محقق با انجام مصاحبه با صاحب‌نظران و خبرگان علمی و اجرایی شاخص‌های تغییر خط‌مشی پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری را با توجه به رویکرد استقرایی شناسایی نموده و سپس آن‌ها را در طبقات مشخصی دسته‌بندی و از دسته بندی طبقات به مؤلفه‌ها و ابعاد تحقیق دست یافت. جامعه آماری در بخش کیفی عبارتند از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی، کارشناسان مؤسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، معاون و کارشناسان آموزش و برنامه‌ریزی وزارت علوم و تحقیقات و فناوری، اعضای کمیسیون آموزش و تحقیقات مجلس شورای اسلامی دوره نهم و دهم که با ارائه پژوهش، گزارش و همچنین مصوبات و آیین‌نامه‌های اجرایی در تغییر خط‌مشی و سیاست‌های آموزش عالی تأثیر گذارند. لذا به منظور جمع‌آوری اطلاعات از روش نمونه‌گیری هدفمند استفاده شده است. به این معنا که نمونه‌هایی انتخاب شده‌اند که از نظر مسئله و اهداف پژوهش غنی و متخصص بوده و همچنین در حوزه‌های نامبرده بیش از ۵ سال فعالیت داشته‌اند. برای این منظور بعد از مصاحبه با یکی از اعضای شورای عالی انقلاب فرهنگی از ایشان خواسته شد تا براساس تکنیک گلوله برفی افراد دیگری را که می‌توانستند نقش مؤثری در پیشبرد تحقیق داشته و به صورت تخصصی و علمی اطلاعات دقیقی از تغییر خط‌مشی‌های پذیرش دانشجو را در اختیار محقق قرار دهند را به پژوهشگر معرفی نمایند. بر این اساس محقق بعد از مشخص نمودن اهداف و سؤالات تحقیق و ابزار پژوهش، جهت جمع‌آوری اطلاعات با ۱۰ نفر از نخبگان و کارشناسان مرتبط با موضوع تحقیق مصاحبه‌هایی انجام داده است. سؤالات مطرح شده در زمینه چگونگی تغییر خط‌مشی پذیرش دانشجو بر اساس بررسی عوامل داخلی (تأثیر ارزیابی‌های خط‌مشی‌های قبلی) عوامل خارجی (شرایط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی) صورت گرفته است. از مصاحبه دهم به بعد، پژوهشگر نکته جدیدی دریافت نکرد اما برای اطمینان بیشتر ۲ مصاحبه دیگر نیز انجام شد و با توجه به اینکه نکته جدیدی به دست نیامد، اشباع نظری حاصل شد بعد از یاد داشت نمودن و خواندن مکرر مصاحبه‌های انجام شده، از هر متن مصاحبه به صورت جداگانه مضامینی مرتبط با اهداف تحقیق استخراج گردید. مضامین استخراج شده تحت عنوان شاخص مطرح شده و با دسته‌بندی شاخص‌های استخراجی مؤلفه‌ها تعیین و در نهایت با طبقه‌بندی مؤلفه‌های به دست آمده ابعاد تغییر مشخص و تحلیل و استنباط صورت گرفت. طبقه‌بندی

انجام شده براساس تناسب معانی یا موضوعات مطرح شده بوده است. بدین صورت که بعد از آن که کدها استخراج گردید بر اساس تفاوت یا شباهت‌هایشان در داخل طبقات دسته‌بندی می‌شوند.

به منظور اعتباربخشی به مدل ارائه شده بخش کمی پژوهش انجام گردید داده‌های کمی از پرسشنامه محقق ساخته جمع‌آوری شده است. این پرسشنامه براساس شاخص‌های تغییر خطمشی پذیرش دانشجو بار ویکرد یادگیری شناسایی شده در روش کیفی تدوین شده و بر اساس مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت در سه بخش تغییر خطمشی سنجش و پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری با تعداد ۲۷ گویه، خطمشی ظرفیت پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری با تعداد ۲۲ گویه و خطمشی عدالت آموزشی و پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری با تعداد ۲۶ گویه مطرح گردید. برای سنجش روایی و پایایی پرسشنامه، نمونه‌ای بالغ بر ۳۰ نفر از پاسخگویان اخذ گردید و سپس بر اساس پایایی شاخص که شامل سه معیار آلفای کرونباخ، پایایی مرکب و ضرایب بارهای عاملی است، روایی همگرا و روایی واگرا مورد آزمون قرارگرفت و نتایج به دست آمده روایی و پایایی پرسشنامه را تأیید می‌نماید. با توجه به آن که اعضا هیئت علمی دانشگاه با نتایج اجرای خط-مشی‌های پذیرش دانشجو ارتباط تنگاتنگ و مستقیمی دارند لذا می‌توان از آن‌ها به‌عنوان افرادی که تأثیر یادگیری بر روند تغییر پذیرش دانشجو را مشخص می‌نمایند استفاده نمود. بر این اساس جامعه آماری در بخش کمی شامل اعضاء هیئت علمی دانشگاه لرستان با ۳۴۸ نفر عضو و دانشگاه علوم پزشکی لرستان با ۲۲۱ نفر عضو می‌باشد که در مجموع ۵۶۹ نفر عضو هیئت علمی را شامل می‌شود. به منظور نمونه‌گیری از جامعه آماری ذکر شده از جدول مورگان و کرجسی و از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای استفاده شده و تعداد ۲۲۹ نفر عضو هیئت علمی به عنوان حجم نمونه انتخاب گردید که از این تعداد ۲۲۸ نفر به سؤالات پرسشنامه پاسخ داده‌اند. در بخش کمی برای تجزیه و تحلیل داده‌ها از روش‌های آمار توصیفی و استنباطی استفاده شده است. در تحلیل توصیفی داده‌ها، از جداول توزیع فراوانی، نمودار دایره‌ای و آماره‌های توصیفی برای ارائه پاسخ به سؤالات مربوط به سن، جنسیت، سابقه خدمت و مرتبه علمی استفاده و در تحلیل استنباطی جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از تکنیک مدل‌یابی معادلات ساختاری با استفاده از نرم‌افزارهای *smart pls* و *spss22* با سطح اطمینان ۹۵٪ استفاده شده است. با توجه به آن که از طریق مدل‌یابی *smart pls* می‌توان ضرایب رگرسیون استاندارد را برای مسیرها، ضرایب تعیین را برای متغیرهای درونی و اندازه شاخص‌ها را برای مدل مفهومی به دست آورد پس *smart pls* جایگزینی مناسب برای روش‌های تشریح کوواریانس همچون *Liser* و *Amous* می‌باشد (Wen wu, 2010)

یافته‌های تحقیق

در بخش کیفی این پژوهش از طریق ثبت و تبدیل مصاحبه‌ها به فایل‌های نوشتاری و مرور مکرر مصاحبه‌های انجام شده، قالب کل هر مصاحبه درک شده و سپس جملات کلیدی استخراج گردد و مطابق با هر یک از مضامین (جملات کلیدی) به دست آمده کدهایی تعیین گردید. نمونه‌ای از مصاحبه‌های تحلیل شده در ادامه ارائه می‌شود.

از مضامین به دست آمده کد استخراج گردید. لذا در پاسخ به سؤال «شاخص‌های تغییر خط-مشی پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری کدام است؟» کدهای به دست آمده را با یکدیگر مقایسه نموده و کدهایی که از لحاظ معانی یا موضوع با یکدیگر تناسب داشتند را به صورت یک شاخص مطرح و با توجه به تناوب و تشابه کدها برای هر یک از شاخص‌ها نامی انتخاب گردید. بعد از شناسایی شاخص‌ها به منظور پاسخ به سؤال «مؤلفه‌های تغییر خط‌مشی پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری کدام است؟» شاخص‌های مشابه را در یک طبقه قرار داده و تحت

جدول ۱. مضامین استخراج شده از مصاحبه اول (یک نمونه)

Table 1. Topics extracted from the first interview (one sample)

مضامین Themes	کد مفهومی concept code
۱. به نظر بنده در روند تصمیم‌گیری آموزش عالی مخصوصاً پذیرش دانشجو خیلی به سختی بازخورد دریافت می‌شود چرا که ارزیابی قبلی به ندرت صورت می‌گیرد، لذا بهتر است به نیازهای مردم و جامعه توجه شود. بر این اساس می‌توان گفت که به جای ارزیابی خط‌مشی‌های قبلی بهتر است شرایط اجتماعی، سیاسی جامعه مثل خواسته و نیاز مردم و یا تفکرات سیاسی دولتمردان در این بحث نقش داشته باشد.	۱. توجه به نیاز مردم در تغییر خط‌مشی‌های پذیرش دانشجو ۲. توجه به تفکرات سیاسی دولتمردان جهت تغییر خط‌مشی‌های پذیرش دانشجو

جدول ۲. شاخص‌های استخراج شده تغییر خط‌مشی سنجش و پذیرش دانشجو (یک نمونه)

Table 2. Extracted indicators of student assessment and admission policy change (one sample)

شاخص Indicato	کد code
توجه به خواسته و نیاز مردم	1. توجه به نیاز مردم در تغییر خط‌مشی‌های پذیرش دانشجو 3. توجه به خواسته و نیاز داوطلبان در تغییر خط‌مشی‌های پذیرش دانشجو 46. توجه به نیاز و خواسته مردم در تغییر خط‌مشی‌های پذیرش دانشجو 142. توجه به نیاز و خواسته مردم در تغییر خط‌مشی‌های پذیرش دانشجو 146. توجه به نیازهای روز مردم در تغییر خط‌مشی‌های پذیرش دانشجو 161. توجه به توقع و خواسته‌های مردم در تغییر خط‌مشی‌های پذیرش دانشجو 163. توجه به نیاز مردم در جهت تغییر خط‌مشی سنجش و پذیرش دانشجو

جدول ۳. مؤلفه‌های استخراج شده مربوط به خط‌مشی سنجش و پذیرش دانشجو
Table3. Extracted components related to student assessment and admission policy

مؤلفه‌ها components	شاخص‌ها Indicators
در نظر گرفتن سیاست‌ها و خط‌مشی‌های پیشنهادی دولت	توجه به ارزیابی خط‌مشی‌های اجرا شده
	توجه به بازخور خط‌مشی‌های اجرا شده
	توجه به برنامه‌های پیشنهادی دولت
	در نظر گرفتن سیاست‌های کلان کشور

عنوان مؤلفه مشخص شدند. برای نام‌گذاری مؤلفه‌ها نیز از مفاهیمی که مشارکت‌کنندگان در فرایند تحقیق استفاده نمودند و به آن کدهای زنده می‌گویند استفاده شده است. نمونه‌ای از مؤلفه‌های استخراج شده تغییر خط‌مشی سنجش و پذیرش دانشجو ارائه می‌گردد.

بعد از شناسایی مؤلفه‌ها، به منظور پاسخ به سؤال «ابعاد تغییر خط‌مشی پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری کدام است؟» به بررسی مؤلفه‌ها پرداخته و با توجه به چگونگی روند یادگیری بر اساس مؤلفه‌های مشخص شده، این مؤلفه‌ها را در دو بعد یادگیری درون‌زا و یادگیری برون‌زا دسته‌بندی نموده و در نهایت با توجه به موضوع اصلی پژوهش که تغییر خط‌مشی پذیرش دانشجو می‌باشد و با عنایت به رویکرد یادگیری، در مدل نهایی تغییر خط‌مشی پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری ترسیم گردید.

در بخش کمی نیز به منظور پاسخ به سؤال «اعتبار مدل تغییر خط‌مشی پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری به چه میزان است؟» پس از انجام تحلیل مصاحبه‌ها و شناسایی شاخص‌ها و مؤلفه‌های به دست آمده پرسشنامه‌ای محقق ساخته تهیه شده (سوالات مطرح شده در پرسشنامه بر اساس شاخص‌های استخراج شده در بخش کیفی پژوهش مطرح شده است) و به منظور اعتبارسنجی مدل از نرم‌افزار Smart PLS استفاده گردید. نتیجه آزمون نشان می‌دهد که مدل ارائه شده دارای اعتبار بیرونی و درونی می‌باشد. برای ارزیابی اعتبار بیرونی از سه شاخص روایی همگرا، پایایی ترکیبی و آلفای کرونباخ استفاده شده است که نمونه‌ای از نتایج آزمون خط‌مشی سنجش و پذیرش دانشجو در جدول ۴ قابل بیان است.

نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که تمامی متغیرهای پنهان دارای مقدار آلفای کرونباخ و پایایی ترکیبی بالای ۰/۷ بوده که نشان می‌دهد مدل دارای پایایی مناسبی است. همچنین مقدار متوسط واریانس استخراج شده (AVE) برای متغیرهای مکنون بالاتر از ۰/۵ بوده که نشان می‌دهد روایی همگرایی مدل ارائه شده نیز مطلوب می‌باشد. همچنین آزمون اعتبار درونی

جدول ۴. گزارش معیارهای آلفای کرونباخ، پایایی ترکیبی و روایی همگرا

Table 4. Cronbach's alpha criteria report, hybrid reliability and convergent validity

سازه‌ها (متغیرهای مکنون) Structures (hidden variables)	روایی همگرا (AVE)	پایایی مرکب Composite reliability	آلفای کرونباخ Cronbach's alpha
یادگیری برون‌زا و سنجش و پذیرش دانشجو	0/788	0/949	0/932
یادگیری درون‌زا و سنجش و پذیرش دانشجو	0/830	0/961	0/949

خروجی نرم‌افزار در شکل شماره ۱ نشان می‌دهد که تمام اعداد واقع بر مسیرها بالاتر از ۱/۹۶ هستند، این مطلب حاکی از معنادار بودن مسیرها، مناسب بودن مدل ساختاری است.



شکل ۱. خروجی کلی مدل در حالت معناداری

Figure 1. The overall output of the model in a significant WA

همچنین معیار R^2 برای بررسی برازش مدل ساختاری نشان از مناسب بودن مدل می‌باشد. این معیار برای متصل کردن بخش اندازه‌گیری و بخش ساختاری مدل‌سازی معادلات ساختاری به کار

جدول ۵. مقادیر R2 محاسبه شده برای متغیرهای پنهان

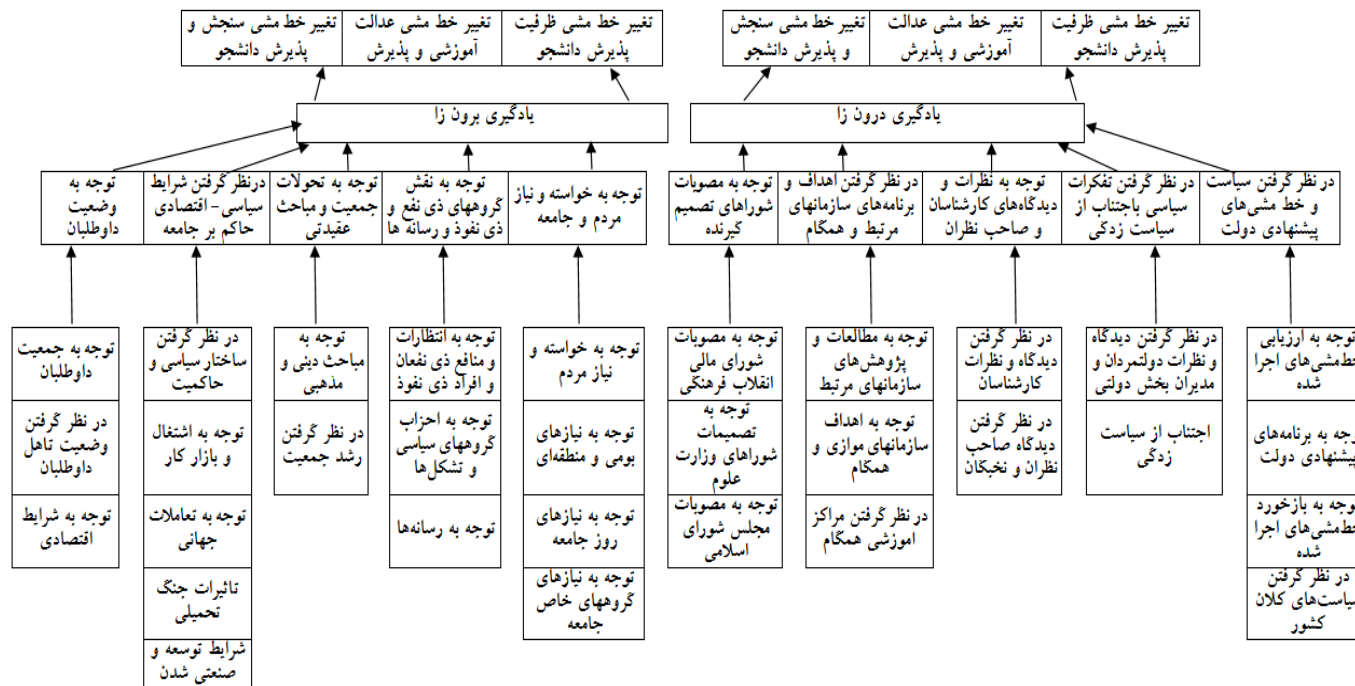
Table 5. Calculated R2 values for hidden variables

مقادیر R2	متغیرها Variables
0.347	یادگیری برونزا و سنجش و پذیرش دانشجو
0.197	یادگیری درونزا و سنجش و پذیرش دانشجو
0.567	یادگیری برونزا و ظرفیت پذیرش دانشجو
0.194	یادگیری درونزا و ظرفیت پذیرش دانشجو
0.193	یادگیری برونزا و عدالت آموزشی و پذیرش دانشجو
0.325	یادگیری درونزا و عدالت آموزشی و پذیرش دانشجو

رفته و بیانگر تأثیر یک متغیر برونزا بر یک متغیر درونزا است. مقادیر ضریب تعیین در جدول ۵ قابل مشاهده است. با توجه به مقدار R2 به دست آمده، مناسب بودن برازش مدل ساختاری تأیید می‌شود. نمونه‌ای از مقادیر R2 خطمشی سنجش و پذیرش دانشجو در جدول ۵ قابل بیان است. در نهایت به منظور برازش کلی مدل ارائه شده در هر دو بخش اندازه‌گیری و ساختاری طبق محاسبات صورت گرفته براساس خروجی نرم‌افزار Smart pls، مقدار ضریب GOF برای مدل ارائه شده، نشان از برازش کلی مناسب مدل دارد. طبق محاسبات صورت گرفته براساس خروجی‌های نرم‌افزار Smart Pls مقدار ضریب GoF برای مدل پژوهش حاضر برابر ۰/۱۹۶ می‌باشد که نشان از برازش کلی مناسب مدل دارد.

بحث و نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف ارائه مدل تغییر خطمشی پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری بر اساس روش تحلیل محتوا با رویکرد استقرایی صورت گرفته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که الگوی به دست آمده دارای دو بعد درونزا و برونزا بوده که در هر یک از این ابعاد پنج مؤلفه مطرح شده و این مؤلفه‌ها براساس شاخص‌های از زیر مؤلفه‌های به دست آمده، که در خطمشی سنجش و پذیرش دانشجو ۲۷ شاخص، خطمشی ظرفیت پذیرش دانشجو ۲۲ شاخص و خط-مشی عدالت آموزشی و پذیرش دانشجو ۲۶ شاخص بیان شده که در ادامه این مؤلفه‌ها و شاخص‌ها مورد بحث و بررسی قرار گرفته است: در بعد برونزا، خواسته و نیاز مردم و جامعه به عنوان یک مؤلفه شناخته شده است و لازم است تا سیاست‌گذاران در زمینه تغییر خطمشی پذیرش دانشجو به آن توجه نمایند. این مؤلفه از دسته‌بندی دو شاخص، توجه به خواسته و نیاز مردم و توجه به نیازهای روز جامعه به دست آمده است. توجه به خواسته و نیاز مردم از طریق



شکل ۲. مدل نهایی خط‌مشی پذیرش دانشجوی با رویکرد یادگیری

Figure 2: The final model of changing student admission policies is the learning approach

مشاوره و گفت‌وگو با اقشار مختلف جامعه و یا شنیدن صداهای بخش‌های مختلف جامعه به منظور اثرگذاری و یا تغییر سیاست‌ها می‌باشد.

از طرف دیگر توجه به نیازهای روز جامعه می‌تواند به خطمشی‌گذاران کمک کند تا تغییرات لازم را در خطمشی‌ها وارد نمایند. مؤلفه دیگر نقش گروه‌های ذی‌نفع و ذی‌نفع و رسانه می‌باشد. این مؤلفه از دسته‌بندی شاخص‌های توجه به انتظارات و منافع ذی‌نفعان و افراد ذی‌نفع، توجه به احزاب، گروه‌های سیاسی و تشکل‌های دانشجویی و رسانه‌ها به دست آمده است. تحولات جمعیت و مباحث عقیدتی مردم جامعه که از دسته‌بندی دو شاخص توجه به مباحث دینی و مذهبی و در نظر گرفتن رشد جمعیت بیان شده نیز مؤلفه دیگری است. شرایط سیاسی و اقتصادی حاکم بر جامعه نیز مؤلفه‌ای است که از دسته‌بندی شاخص‌های در نظر گرفتن ساختار سیاسی و حاکمیتی، توجه به تعاملات با جامعه جهانی، توجه به اشتغال و بازار کار به دست آمده است. وضعیت داوطلبان هم که از دسته‌بندی شاخص‌های در نظر گرفتن وضعیت تأهل داوطلبان و توجه به شرایط اقتصادی داوطلبان تشکیل شده است یکی دیگر از مؤلفه‌ها است. نتایج به دست آمده از تحقیق همچنین نشان می‌دهد که در یادگیری درون‌زا توجه به سیاست‌ها و خطمشی‌های پیشنهادی دولت در تغییر خطمشی پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری حائز اهمیت است. این مؤلفه از دسته‌بندی شاخص‌های توجه به ارزیابی خطمشی‌های اجرا شده، توجه به بازخورد خطمشی اجرا شده، توجه به برنامه‌های پیشنهادی دولت و در نظر گرفتن سیاست‌های کلان کشور بیان شده است. ارزیابی می‌تواند منجر به بهبود اجرای فرایند خطمشی‌گذاری و همچنین دستیابی به نتایج مؤثر باشد. گرچه بحث ارزیابی خطمشی عمومی سال‌هاست که در محافل آکادمیک مطرح شده است اما کمتر مورد توجه خطمشی‌گذاران ایرانی قرار گرفته است. بنابراین لازم است تا در روند خطمشی‌گذاری به این مهم توجه شود، از سویی دیگر اجرای خطمشی‌ها بدون وجود ساختار بازخوردی امکان‌پذیر نیست. بر این اساس توجه به بازخورهای خطمشی‌های اجرا شده، به خطمشی‌گذاران کمک می‌کند تا تصمیمات و اقدامات مناسب‌تری نسبت به پدیده‌ها و همچنین تغییرات خطمشی داشته باشند.

همچنین لازم است تا سیاست‌گذاران در روند خطمشی‌گذاری عمومی به برنامه‌های پیشنهادی دولت نیز توجه نمایند. از سویی دیگر دولت‌ها با توجه به قدرت اجرایی خود و همچنین استفاده از ابزارهایی که در انحصارشان می‌باشد می‌توانند مردم را در اجرایی نمودن برنامه‌ها متقاعد نمایند. پس نقش دولت و برنامه‌های پیشنهادی آن در جهت رسیدن به خطمشی‌های تدوین شده بسیار

تأثیرگذار است و آنچه که در این مسیر اهمیت دارد انطباق عملکردهای جاری با سیاست‌های کلان کشور است چرا که در غیر این صورت برنامه راهبردی دولت با شکست مواجه می‌شود. براین اساس لازم است تا در تغییر خط‌مشی‌های پذیرش دانشجو نیز به سیاست‌های کلان کشور توجه گردد. نگرش و تفکرات سیاسی و اجتناب از سیاست‌زدگی نیز مؤلفه‌ای دیگر است که از دسته‌بندی شاخص‌های در نظرگرفتن دیدگاه و نظرات دولتمردان، مدیران بخش دولتی و اجتناب از سیاست‌زدگی بیان شده است. توجه به دیدگاه و نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران مؤلفه دیگری است که از دسته‌بندی شاخص‌های توجه به دیدگاه و نظرات کارشناسان و صاحب‌نظران و نخبگان بیان شده، برنامه‌ها و اهداف سازمان‌های همگام و ذی‌ربط نیز مؤلفه‌ای است که از دسته‌بندی توجه به مطالعات و پژوهش‌های سازمان‌های ذی‌ربط، توجه به اهداف سازمان‌های موازی و همگام و در نظرگرفتن مراکز آموزشی همگام مطرح شده و توجه به مصوبات شوراهای تصمیم‌گیرنده که از دسته‌بندی توجه به مصوبات مجلس شورای اسلامی، شورای عالی انقلاب فرهنگی و شوراهای وزارت علوم (شوراهای تخصصی و هیات امنای دانشگاه‌ها) بیان شده نیز مؤلفه‌ای است که در تغییر خط‌مشی پذیرش دانشجو بسیار مؤثر می‌باشد. نتایج به دست آمده در بخش کمی نیز اعتبار مدل تغییر خط‌مشی پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری را مورد تأیید قرار داد که این امر با استفاده از تکنیک آماری smart pls انجام و اعتبار مدل ارائه شده تأیید گردید. با توجه به آنچه گفته شد نتایج حاصل از این پژوهش با نتایج حاصل از پژوهش Baglibel et al. (2018); Ghanbari, Abbasi and Amiri (2020); Malekinia, Malekinia and Feizi (2019); Zabetpour Kordi et al. (2019) و Hejazi (2007) ارائه الگوی مناسب برای پذیرش دانشجو در نظام آموزش عالی ایران، همخوان و همراستا بوده است. در تبیین نتایج این پژوهش می‌توان چنین گفت که در تغییر خط‌مشی پذیرش دانشجو با رویکرد یادگیری لازم است تا با اتخاذ سیاست‌ها و تدابیر منطقی و با آگاهی از دیدگاه کارشناسان و خبرگان در سطح کلان و همچنین صاحب‌نظران درحوزه تخصصی به گونه‌ای عمل شود که در صورت احساس نیاز به تغییر خط‌مشی پذیرش دانشجو، به دیدگاه‌ها و نقطه نظرات آنان توجه گردد. چرا که سیستم آموزش عالی علاوه بر اینکه وظیفه دارد بستر لازم را برای تخصص‌گرایی و ورود فارغ‌التحصیلان به بازار کار را فراهم سازند، رسالت دیگری نیز بر دوش دارند و آن هم انجام تعهدات خود نسبت به جامعه می‌باشد و این امر محقق نمی‌شود مگر آن که به هنگام احساس ضرورت برای تغییر خط‌مشی پذیرش دانشجو، همه ابعاد و زوایای مسئله را مورد توجه قرار دهند

سهم مشارکت نویسندگان: در پژوهش حاضر نویسنده دوم، به عنوان استاد راهنما، نظارت و راهبرد روند کلی پژوهش و تدوین و نهایی‌سازی اصلاحات مقاله را برعهده داشته‌اند. نویسنده اول در تدوین طرح تحقیق، فرایند گردآوری، تحلیل، تفسیر یافته‌ها و نگارش مقاله را بر عهده داشته و در مجموع نتیجه‌گیری از یافته‌ها و بسط و تفسیر به صورت مشترک و با بحث و تبادل نظر کلیه همکاران و با همراهی نویسنده سوم، به عنوان استاد مشاور پایان نامه انجام شد.

تضاد منافع: نویسندگان اذعان دارند که در این مقاله هیچ گونه تعارض منافی وجود ندارد.

منابع مالی: کلیه هزینه‌ها در طول فرایند اجرای پژوهش بر عهده پژوهشگران بوده است و از هیچ مؤسسه و نهادی حمایت مالی دریافت نکرده است.

تشکر و قدردانی: پژوهش حاضر بدون همکاری مشارکت‌کنندگان امکان‌پذیر نبود، بدین‌وسیله از کلیه مشارکت‌کنندگان تقدیر و تشکر به عمل می‌آید.

Reference

- Altabach, P., Reisberg, L., & Rumbley, L. (2009). Trends in global higher education tracking academic revolution. *paris: UNESCO*.
- Amiri farahabadi, J., Abolghasemi, M., & Qahrmani, M. (2019). Designing and validating the pathology model of the policy research process in Iranian higher education. *Journal of Educatiounal Sciences*, 25(1), 109-126. [Persian]
- Baglibel, M., Samancioglu, M., & Crow, G. M. (2018). Factors affecting the sustainability of educational changes: A mixed method research. *Cogent Education*, 5(1), 1502395.
- Bar-yam, M., Rhoades, K., Sweeney, L., Kaput, J., & Bar-yam, Y. (2012). *Complex Systems Perspectives on Education and the Education System*. New England: NewEngland Complex Systems Institute.
- Besharat Ghotb Abadi, Z., Shah Talebi Hossein Abadi, B., & Saeidian Khorasgani, N. (2019). Identifying Components and Providing a Model of Ethical Leadership in the University (Study: Islamic Azad University). *Journal of Educational Sciences*, 26(2), 239-256. [Persian]
- Blanco, I., Lowndes, V., & pratchett, L. (2011). Policy Networks and Governance Networks: Towards Greater Conceptual Clarity. *Political Studies Review*, 9(3), 297-308.
- Coffild, F. (2008). Just suppose teaching and learning become the first priority. *Retrieved from: www.LSN Education.org.uk*.
- Danesh Fard, k. (2017). *General policy-making process*. Tehran: Safar [Persian]
- Erfani, A., & Ghasemi, M. (2016). A Review of Factors Affecting the Formulation, Implementation, Evaluation and Change in public policy. *The Second National Conference on Modern Management Sciences and Socio-Cultural Planning in Iran, Qom*, [Persian]
- farrokhi, N. (2016). The Role of Educational Variables in The Academic Achievement of Master Students of The Faculty of Psychology and Educational Sciences. *Journal of Reasearch in Educational Systems*, 73-84. [Persian]
- Ghanbari, A., Abbasi, T., & Amiri, M. (2020). The Policy Evaluation; The Laws of Student Admision in Iran iN terms of Justice. *Public Policy*, 6(2), 95-114. [Persian]

- Ghoorchian, N., & Sahebolzamani, M. (2006). Examine methodes of students selection in our country for presenting optimum model. *Journal of Future studies Management*, 17(4), 25-39. [Persian]
- Ghoraishi Khorasgani, M., Yamani Douzi Sorkhabi, M., Zakersalehi, G., & Mehran, G. (2019). Functional Pathology of autonomous compuses of Tehran Public University. *Journal of Educational Sciences*, 26(1), 197-216. [Persian]
- Gorcía-Huidobro, J., Nannemann, A., Banco, C., & Thompson, K. (2017). Evolution in educational change: A literature review of the historical core of the journal of Educational change. *Journal of Educational Change*, 263-293.
- Haj Khozeymh, M., Abili, K., & Pour Karime, J. (2020). Presenting a Model for Professional Development Departments Heads in Universities and Institutes of Higher Education Based on a Lean Approach. *Journal of Educational Sciences*, 27(1), 221-240. [Persian]
- Hajazi, M. (2007). Acomparative and analytic review on the student admission criteria Iran and other advanced states (i.e. Japan, Germany, Britain) as. *MA.thesis.Alame tabatabai*, [Persian]
- Hayes, B. (2008). *Measuring customer satisfaction and loyalty:Survey design,use and statistical analysis methods*. Milwaukee: ASQ Quality press.
- Longworth, N. (2004). *Lifelong Learning in action;transforming education in the 21st century*. London andNewYork: Routiedge flamer.
- Louis, K., & Miles, M. B. (1990). *Improving the urban high school:what works and why*. New York: Teacher college press.
- Malekinia, E., malekinia, Z., & Feizi, S. (2019). Survey on Imperative Strategies for Iranians Higher Education System in Globalization Age. Vol. 6, No. 24, PP: 515-545.
- Rutter, J., Marshall, E., & Sims, S. (2012). The"S"Factors:Lessons from IFGs Policy Success reunions. *Institute for Government Australian Political Studies Association Conference*.
- Shanaida, V., Vitenko, T., Drozdziel, P., & Madlenak, R. (2019). The role an education and research in process learning of the students of university. 13th International Technology, Education and Development Conference. www.researchgate.net.
- Wen wu, W. (2010). Linking Bayesian networks and PLS path modelings for causal analysis Expert systems with Applications. *Expert Systems with Applications*, 37, 134-139.
- Zabetpourkordi, H., Aminbeidokhti, A., Rezaei, A., & Salehiomran, A. (2019). Studying Effective and Contextual Factors for Implementation Policies of Higher Education in Iran. *10(2)*, 21-46. [Persian]
- Zarei, R., & Orangi, A. (2012). An Investigation into Admission Criteria in Iranian Universities from The Perspective of Experts. *Journal of New Approaches in Educational Administration*, 207-221. [Persian]

